

وضعیت حج گزاری ایرانیان پس از حمله مغول

ابوالفضل ربانی *

چکیده

حمله مغول به ایران در سال ۶۱۶ هجری کشورمان را با بحران‌های جدی در همه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روبرو کرد و تا سالیان سال آثار حمله و استیلای طولانی مدت قوم مهاجم در این عرصه‌ها خود نمایی می‌کرد. حج با توجه به ابعاد مختلف مذهبی سیاسی و اجتماعی آن از عرصه‌های بروز بحران بود. از سوی دیگر با توجه به ماهیت سیاسی اجتماعی حج می‌توان آن را از ارکان مهم مشروعیت‌بخشی به حاکمان مسلمان برشمرد و رقابت حکومت‌های مختلف در پر رنگ کردن نقش خود در مراسم حج از نمودهای این اهمیت بود. ناهمخوانی کیش مغولان با اسلام و حج، چاره‌اندیشی برای بحران را مشکل‌تر می‌نمود. نوشتار حاضر با مرور برخی از منابع مرتبط با توجه به نظریه بحران اسپرینگز در پی تبیین چگونگی رویارویی مسلمانان و به‌ویژه نخبگان ایرانی با بحران‌های یادشده در موضوع حج‌گزاری می‌باشد. تطبیق مراحل مختلف نظریه یادشده با فعالیت‌های کنشگران و تبیین راهکارها روش تحقیق را شکل می‌دهند. براساس یافته‌های پژوهش، نخبگان ایرانی با نفوذ در دربار مغولان و ایلخانان توانستند اجازه حج‌گزاری را از آنها دریافت کنند. ایجاد ثبات نسبی در زمینه‌های اقتصاد و امنیت، جذب حاکمان مغول به سوی اسلام، استقلال کاروان ایرانی از کاروان عراق و اعزام کاروان ایرانی از شیراز به مکه از دیگر چاره‌هایی بود که اندیشمندان ایرانی در برابر بحران‌های یادشده ارائه کردند.

حج یکی از مهم‌ترین عرصه‌های بروز بعد اجتماعی دین اسلام است و از آن جهت که مکه در زمان انجام مناسک حج محلی برای تجمع مسلمانان از اقلیم‌های مختلف است، همواره به آن به‌عنوان فرصت مهمی برای تبلیغ حاکمان اسلامی نگریسته شده و می‌توان آن را از پایه‌های مشروعیتی حکومت‌های اسلامی دانست. شکستن بت‌ها به فرمان رسول خدا و به دست امام علی در سال هشتم هجری و خوانش اعلامیه سیاسی تأکیدی بر بُعد مهم تبلیغاتی این مکان و این فریضه در دیدگاه حاکمان اسلامی بود.

اهمیت حج در مشروعیت‌بخشی به حاکمان مسلمان توجه ویژه آنها به حج و حج‌گزاری را در پی داشت و منابع تاریخی مملو از داده‌هایی با موضوع اقدامات حاکمان دوره‌های مختلف اسلامی در راستای رونق بخشی به این فریضه است. این اقدامات در زمینه‌هایی مانند کارهای عمرانی در حرمین شریفین و مسیر کاروان‌ها، تأمین امنیت کاروان‌ها و راه‌ها، بدل و بخشش در بین زائران، نظم‌دهی و تأمین امیر الحاج و نیز تعیین والیان و کارگزارانی برای حرمین شریفین انجام می‌گرفت.^۱ پس از حمله عرب‌ها به ایران و تسخیر نقاط مختلف این کشور و گرایش تدریجی مردمان آن به اسلام، زائران ایرانی نیز به جرگه مسلمانان حج‌گزار پیوستند. براساس داده‌های موجود این زائران برای ادای فریضه حج به عراق رفته و از آنجا به همراهی ركب عراقی به حرمین می‌رفتند. توان مالی و امنیت راه‌ها از شرایطی هستند که در اسلام برای واجب شدن حج قرار داده شده‌اند.^۲ فقر و فلاکت و ناامنی از نتایج مستقیم و گسترده حمله مغولان بود و هر دو عامل یادشده در وجوب حج را به طور مستقیم مورد تهاجم قرار داده بود. ناهمخوانی کیش مغولان با مسلمانان بحران دیگری بود که دامنگیر زائران شده و توجه فراوان حکومت‌ها به این پدیده مهم اسلامی را دور از دسترس قرار داده بود.

مراجعه به منابع تاریخی جغرافیایی و آثاری که به گزارش‌های حج‌گزاری مسلمانان به‌ویژه بعد از حمله مغول پرداخته‌اند، نشان‌دهنده این است که پدیده حج‌گزاری ایرانیان با حمله مغولان دچار سکت شده و تا مدتی تعطیل بوده است؛ ولی به تدریج با چاره‌اندیشی نخبگان بازیابی شده و توانسته از جنبه کیفی و کمی روند رو به رشدی را پیش گیرد.

۱. برای اطلاعات تفصیلی درباره نقش حکومت‌های اسلامی در حج به دانشنامه حج و حرمین شریفین مراجعه کنید.

۲. نک: محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۲.

وضعیت حج‌گزاری ایرانیان پس از حمله مغول ۳۳

بررسی پیشینه، منابع و مآخذ

در جستجویی که انجام شد، پژوهشی مستقل پیرامون وضعیت حج‌گزاری ایرانیان پس از حمله مغول یافت نشد. رسول جعفریان در اثری با عنوان راه حج^۱ داده‌هایی پراکنده در این باره ارائه کرده است، ولی با توجه به این که هدف ایشان در نگارش اثر یادشده تأثیر مغولان بر این پدیده نبوده، جهت کلی مطالب ارائه‌شده در اثرشان با نوشتار حاضر متفاوت است.

از آنجا که نقطه کانونی در منابع تاریخ سنتی همواره دربار و مسائل مرتبط با آن است و تاریخ اجتماعی چندان مورد توجه تاریخ‌نگاران دوره‌های پیشین نبوده، منابع مربوط به دوره مغول و ایلخانان توجه چندانی به مقوله حج نداشته‌اند و تنها برخی از آنها گزارش مربوط به مراسم حج سالیانه را در قالب یک جمله و بدون تشریح جزئیات مورد اشاره قرار داده‌اند و بر همین پایه انجام پژوهش‌هایی از این دست با کمبود داده مواجه است.

سه اثر تخصصی حج با توجه به این که گزارش‌هایی درباره حج‌گزاری دوره مورد نظر نوشتار پیش رو را دارند، مورد توجه ویژه قرار گرفته‌اند:

۱. شفاء الغرام باخبار بلد الحرام نوشته محمد بن احمد فاسی متوفای ۸۳۲ق. وی ساکن مکه بوده و با توجه به عناوین آثارش مکه و تاریخ و جغرافیای آن موضوع مورد علاقه وی در نگارش بوده است: العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین، مجموعه‌ای ۸ جلدی درباره تاریخ و جغرافیای حرمین شریفین، تحفه الکرام بأخبار البلد الحرام و شفاء الغرم بأخبار البلد الحرام از نوشته‌های فاسی در موضوع حج هستند.

فاسی در شفاء الغرام به تکمیل نوشته‌های ازرقی و فاکهی اقدام کرده و خلاصه اطلاعات از قرن چهارم به بعد در موضوع مکه و حج را پوشش داده است. موضوعات مختلفی مانند ساختار و اجزای کعبه و مسجد الحرام، تاریخ مکه، امیران و کارگزاران شهر، اقدامات عمرانی، گزارش آمد و شد کاروان‌ها به مکه و رویدادهای متنوع سیاسی، مذهبی و اجتماعی در این کتاب مطرح شده‌اند. گزارش‌های حج‌گزاری کاروان‌ها به‌ویژه ایرانیان مختصر و گاه در تک جمله‌ای مورد اشاره قرار گرفته است که البته با توجه به کمبود منابع این حجم از داده‌ها نیز غنیمت است.

۲. اتحاف الوری باخبار ام القرى اثر عمر بن محمد بن فهد متوفای ۸۸۵ق. از دیگر

۱. رسول جعفریان، راه حج، تهران، زیتون سبز، ۱۳۸۹ش.

۳۴ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

نوشته‌های مورد توجه در پژوهش پیش رو است. این کتاب در واقع تکلمه‌ای بر شفاء الغرام فاسی است و نویسنده که در خانواده‌ای دانش‌پژوه زیسته و به موضوع تاریخ مکه علاقمند بوده، این اثر را در راستای تکمیل کتاب یاد شده نگاشت. کتاب براساس سالشمار پیش رفته و رویدادهای هر سال به ترتیب از سال ازدواج پیامبر تا سال وفات نویسنده ثبت شده است. به مناسبت به ورود کاروان‌های حج به مکه اشاره کرده ولی اطلاعات پراکنده و بسیار مختصر است. وی تا آخرین فرصت در پی تکمیل نوشته‌ها بوده است.

۳. الفرائد المنظمه فی اخبار الحاج و طریق مکه المعظمه نوشته عبدالقادر جزینی متوفای ۹۷۷ق. دیگر اثر مورد استفاده در این نوشتار است. هدف از نگارش این کتاب گردآوری اثری جامع درباره مسیر حاجیان، منزلگاه‌ها، حج‌گزاری افراد مهمی مانند خلفا، امیران، کارگزاران و صاحب‌نامان بوده است و به تناسب داده‌های دیگری در موضوع حج ارائه شده است. این کتاب نیز رویدادها را به صورت سالشمار ارائه کرده است. فرائد به نسبت دو کتاب پیشین اطلاعات بیشتری در دسترس قرار داده است و با توجه به این که بعد از آنها نوشته شده، این امر طبیعی است.

روش تحقیق

توماس اسپرینگز، اندیشمند علوم سیاسی، نظریه‌ای به نام بحران را در علوم سیاسی ارائه داده است که براساس آن اندیشمندان و نخبگان یک جامعه هنگام رویارویی با یک بحران با ۴ مرحله مواجه می‌شوند: مرحله نخست مشاهده مشکلات و تشخیص درست بحران است. بعد از این مرحله نوبت به تشخیص علت‌های ایجادکننده بحران می‌رسد و در مرحله سوم تبیین و ترسیم یک فضای ایده‌آل برای مخاطبان و مرحله نهایی نیز نسخه‌پیچی و ارائه راه حلی برای غلبه بر بحران است که تحت شرایط ویژه‌ای انجام می‌شود و ویژگی‌های خاصی را نیز باید دارا باشد.^۱

پیشینه حج‌گزاری ایرانیان پیش از حمله مغول

برای تبیین بحران به وجود آمده در موضوع حج اشاره‌ای اجمالی به وضعیت حج‌گزاری ایرانیان پیش از حمله مغولان ضروری است.

حج‌گزاری ایرانیان در دوره‌های پیش از مغول انعکاس چندانی در متون تاریخی نداشته

۱. توماس اسپرینگز، فهم نظریه‌های سیاسی، فرهنگ رجایی، تهران، آگاه، ۱۳۷۰ش، ص ۱۲-۴۳.

وضعیت حج‌گزاری ایرانیان پس از حمله مغول ۳۵

است و تنها با دقت در برخی از گزارش‌های سیاسی می‌توان به اطلاعاتی در این مورد دست یافت. به احتمال نخستین گزارش مربوط به حج ایرانیان خبر حضور ابومسلم سردار ایرانی به همراهی هزار نظامی خراسانی و منصور ولیعهد سفاح (نخستین خلیفه عباسی) به سال ۱۳۶ق. می‌باشد.^۱

مسئولیت‌های مرتبط با حج چندین ایرانی در لابلای گزارش‌های مورخان تنها نکته‌های درخور توجه در این منابع است که از آن جمله می‌توان به امارت هشتم بن معاویه عنکی به سال ۱۴۱ق. بر طائف و مکه،^۲ قیمومیت حسن بن سهل بر حجاز،^۳ اداره مکه و مدینه به دست محمد بن عبدالله بن طاهر،^۴ اعطای مقام راهداری به ابوساج،^۵ حضور کاروانی از نظامیان وابسته به عمرو بن لیث صفاری به سال ۲۶۹ق. در مکه و نبرد آنها با کمک حاجیان خراسانی،^۶ و خوانده شدن خطبه به نام آل بویه در سال‌های ۳۵۶، ۳۵۹ و ۳۶۸ق. در مراسم حج^۷ اشاره کرد.

گزارش مربوط به ارسال هدایای امیر نوح بن منصور سامانی به حرمین شریفین^۸ می‌تواند قرینه‌ای بر حضور کاروانی از این خطه در مراسم حج باشد.

-
۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، بیروت، ۱۱جلد، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ۱۳۸۷ق، بیروت، ج ۷، ص ۴۶۹.
 ۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۵۱۱؛ محمد بن اثیر، الکامل فی التاریخ، چاپ اول، بیروت، ۱۳۸۵ق، ج ۱۵، ص ۱۴۲.
 ۳. طبری، تاریخ طبری، ج ۸، ص ۸۲۷؛ محمد بن احمد فاسی، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، بیروت، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۱۶.
 ۴. محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۹، ص ۲۵۸؛ محمد بن احمد فاسی، العقد الثمین، به تصحیح محمد احمد عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۹م، ص ۱۶۹.
 ۵. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ص ۲۱۰.
 ۶. همان، ج ۹، ص ۶۵۲-۶۵۳.
 ۷. ابن اثیر، همان، ج ۸، ص ۶۱۲؛ عمر بن محمد بن فهد، اتحاف الوری باخبار ام القرى، تصحیح فهیم محمد شلتوت، مکه، ۱۴۰۳ج ۲، ص ۴۱۶ و ۴۰۴؛ عبدالقادر جزینی، الدررالفوائد المنظمه، تحقیق محمد حسن محمد حسن اسماعیل، بیروت، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۴۵.
 ۸. ابوالشرف ناصح جرفاذقانی، ترجمه تاریخ یمینی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۴ش، ص ۳۶.

۳۶ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

گزارش دیگر نیز مربوط به حضور کاروان حج در دوره غزنویان به سال‌های ۴۱۲ و ۴۱۵ است.^۱ عدم اعزام کاروان حج عراق به دلیل تأخیر حاجیان خراسانی نیز در برخی سال‌های قرن پنجم موضوع برخی گزارش‌هاست.^۲ خبری نیز از پیش افتادن پرچم جلال‌الدین اسماعیلی نو مسلمان توسط خلیفه الناصر عباسی (حک: ۵۷۵-۶۲۲ق.) بر پرچم سلطان محمد خوارزمشاه و عصبانیت و لشکر کشی سلطان به بغداد در دست است.^۳ با وجود جستجوی منابع در دسترس اطلاعات دیگری از چگونگی حج‌گزاری ایرانیان در دوره مورد نظر یافت نشد.

دوره انفعال در حج‌گزاری ایرانیان

همان‌گونه که پیشتر اشاره رفت حمله مغول به ایران در سال ۶۱۶ هجری و چیرگی آنها بر این اقلیم بحرانی جدی برای حج‌گزاری ایرانیان ایجاد کرد. به طور طبیعی در مرحله نخست کاروان‌های حج در رویارویی با رویداد فراگیر شوکه شده و چاره‌ای جز پذیرش آن نداشتند. این مرحله که از حمله مغول به سرکردگی چنگیزخان به سال ۶۱۶ق. تا سال ۶۶۳ق.، سال بر تخت نشستن اباقاخان، به طول انجامید را می‌توان مرحله انفعال نامید. مراحل رویایی نخبگان با بحران ایجادشده در حج‌گزاری ایرانیان را می‌توان اینگونه نشان داد:

۱. مشاهده بحران

به گفته منابع با وجود اعزام کاروان حج عراقی که محمل اصلی ایرانیان برای حضور در فریضه حج بود، در سال ۶۱۷ و ۶۱۸ق. هیچکس از مناطق فارس‌نشین، همدان و اصفهان در مکه حضور نیافت و این امر به جهت ناامنی راه‌ها و بیم و وحشت ناشی از حمله مغولان بود.^۴ اعزام

۱. ابن اثیر، همان، ج ۹، ص ۳۲۵ و ۳۴۱؛ عمر بن محمد بن فهد، همان، ج ۲، ص ۴۵۰-۴۵۱.
۲. ابن اثیر، همان، ج ۹، ص ۳۲۵ و ۳۵۰ و ۳۵۶ و ۳۶۳ و ۳۷۰ و ۴۳۲؛ عمر بن محمد بن فهد، همان، ج ۲، ص ۴۴۴-۴۵۷.
۳. عطا ملک جوینی، تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح محمد قزوینی، تهران، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۹۶-۹۷؛ رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع التواریخ، تصحیح محمد روشن، تهران ۱۳۷۸ش، ص ۱۷۳.
۴. محمد بن احمد فاسی، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ج ۲، ص ۲۸۳؛ عمر بن محمد بن فهد، همان، ج ۳، ص ۳۲.

وضعیت حج‌گزاری ایرانیان پس از حمله مغول ۳۷

محمل عراقی تا سال ۶۳۰ق. به صورت متناوب ادامه داشت اما منابع در مورد حضور یا عدم حضور ایرانیان در این سال‌ها در کاروان یادشده مطلبی ذکر نکرده‌اند.

در سال ۶۳۳ق. کاروان عراقی به مکه نرفت، و سال بعد خلیفه مستنصر به جهت آمادگی برای مقابله با مغولان از علما فتوای ترک حج گرفت. این تعطیلی ۷ سال به طول انجامید. در سال ۶۴۰ق. کاروان مجللی از عراق به همراهی مادر خلیفه به حج اعزام شد و شکوه و عظمت کاروان مورد تاکید مورخان قرار گرفت، ولی خبری در مورد حضور یا عدم حضور ایرانیان ارائه نشده است. پس از این سال اعزام کاروان حج عراقی با وقفه‌ای ۹ ساله مواجه شد. در سال‌های بعد نیز اعزام نامنظم کاروان حج عراقی در منابع منعکس شده است. در برخی از سال‌ها تنها حجازی‌ها حج گزارده‌اند و کاروانی از عراق اعزام حج نشده است.^۱ با تسخیر بغداد به سال ۶۵۶ق. به دست هلاکوخان اعزام کاروان با وقفه‌ای ده ساله مواجه شد.^۲

با توجه به گزارش‌های یادشده حمله مغول در مرحله انفعال، تعطیلی متمادی حضور کاروان حج عراقی - شامل حاجیان مناطق مختلف ایران - را در پی داشت. با توجه به اهمیت فوق‌العاده حج در آیین اسلام و واجب بودن آن بر افراد توانمند این موضوع بحرانی جدی برای جامعه به حساب می‌آمد و با طولانی شدن تعطیلی حج توجه نخبگان به این مهم جلب شد.

۲. شناسایی عوامل بحران

با توجه به در دسترس نبودن اثری از نخبگان مؤثر بر پدیده حج در دوره مورد نظر تحقیق، تبیین مرحله شناسایی بحران با استفاده از تحلیل عملکرد آنها ممکن است؛ به عبارت دیگر با شناسایی حوزه‌های فعالیتی نخبگان می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تشخیص آنها در علت‌یابی مشکل چگونه بوده و چه چیزهایی را علت مشکل تشخیص داده‌اند.

به نظر می‌رسد ناهمخوانی کیش حاکمان با مردم سرزمین‌های اشغالی یکی از مهم‌ترین عوامل تعطیلی حج بود. ضعف و انحطاط خلافت عباسی در دوره مغولان مسبوق به سابقه‌ای طولانی بود و پس از عصر اول عباسی که به عصر اقتدار شهرت دارد، داعیه استقلال در شرق جهان اسلام شکل گرفته بود و مهاجمانی چون آل بویه و سلجوقیان حتی مرکز خلافت عباسی

۱. عبدالقادر جزینی، همان، ج ۱، ص ۳۷۷

۲. نک: عمر بن محمد بن مهد، همان، ج ۳، ص ۹۲؛ عبدالقادر جزینی، همان ج ۱، ص ۳۷۸.

۳۸ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

را نیز تسخیر کرده بودند، اما مسأله حج بدین‌گونه دچار چالش و تعطیلی‌های متمادی نشده بود. تفاوت عمده مغولان با مهاجمان پیشین مغایرت آیین آنها با مسلمانان بود. حاکمان مسلمان پس از دستیابی به مسند قدرت بلافاصله به فکر مشروعیت‌یابی در جهان اسلام افتاده و از حج به‌عنوان یکی از مهمترین عوامل این مسیر استفاده ابزاری شایانی می‌کردند.

مغولان تا پیش از اسلام آوردن پیرو آیین‌های شمنی و بودایی بوده و گاه تمایلاتی مسیحی از خود نشان می‌دادند و با فرهنگ و بوم مسلمانان و ایرانیان قرابتی نداشتند.^۱ اسلام در طول تاریخ حیات خود هیچگاه به اندازه زمان حمله مغول در خطر نبود و مسجدسوزی، اهانت به قرآن، قتل‌عام علمای اسلام در هیچ عهدی به این گستردگی صورت نگرفته بود.^۲ نخبگان مسلمان پس از پشت سر گذاشتن شوک حاصل از رویداد، درصدد مهار این مهاجمان بی‌رحم برآمدند و با وجود رخنه‌هایی که در دوره اکتای قآن و منگوقاآن در مناصب مهم داشتند، در مقابل رقبای قدرتمندی چون مغولان سنتی و مسیحیان متنفذ در دربار مغول نتوانستند کار زیادی پیش برند و تنها می‌توانستند از شدت فاجعه کاسته و فرهنگ و آیین ایرانیان را به امید فردایی بهتر از مرگ حتمی نجات بخشند.^۳

بر همین اساس پرداختن به مسأله حج - که فرع بر حفظ اسلام و جان انسان‌ها و کیان سرزمین اسلام بود - در این دروه ممکن نشد و کاروان‌های حج با تعطیلی‌های متمادی مواجه شدند.

وضعیت نابهنجار اقتصادی نیز از دیگر عوامل ایجاد بحران در حج‌گزاری بود. غارت اموال عمومی در تمامی جنگ‌های سنتی، رویه‌ای ثابت بود و مغولان نیز با توجه به زندگی قبیله‌ای و اهمیت غنیمت در حفظ نظام اقتصادی و توازن قوا در قبیله نهایت کوشش خود را در چپاول اموال به کار می‌بردند. گزارش‌های فراوانی در منابع تاریخی شاهد این ادعا می‌باشند. در نیشابور به استثنای چهل تن از پیشه‌وران بیشتر اهالی شهر کشته شدند و پس از غارت هفت شبانه روز شهر به آب بسته شده و کاملاً ویران شد.^۴ وضع شهرها و آبادی‌های دیگر نیز در

۱. برتولد اشپولر، تاریخ مغول در ایران، برتولد اشپولر، ترجمه محمود میر آفتاب، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۸۵.

۲. نک: ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۲، ص ۳۵۸ به بعد.

۳. نک: جوینی، همان، ص ۱۸۳، محدث ارموی، نسائم الاسحار من لطائف الاخبار، تهران، ۱۳۳۸، ص

۱۰۱.

۴. غیاث الدین بن همام الدین خواند میر، حبیب السیر، تهران، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۴۱.

وضعیت حج‌گزاری ایرانیان پس از حمله مغول ۳۹

هنگام اشغال همین گونه بود.^۱ صنعتگران و پیشه‌وران از مردم عادی جدا شده و به مغولستان اعزام می‌شدند و به همین سبب تجارت و کسب و کار در ایران رو به نابودی می‌رفت.^۲ نوع حکومت‌داری مغولان بر پایه فشار بر مردم در جهت تأمین هزینه‌های سنگین لشگرکشی‌های متعدد و نیز خوشگذرانی‌ها و اسراف بیش از حد حکومت و کارگزاران بود و در تمامی دوره‌ها هزینه‌های دولتی بیش از درآمدها بود.^۳

جلال‌الدین خوارزمشاه نیز با وجود شجاعت از بینش عمیق سیاسی بی‌بهره بود و به جای تمرکز به نبرد با مغولان در نبردهای فرسایشی با قدرت‌های همجوار آسیب‌های غیر قابل جبرانی به امنیت و اقتصاد مناطق مختلف زد و در پیشرفت فقر و فاقه تأثیر بسزایی داشت.^۴ حمله دوم مغول به سال ۶۲۶ق. بنیه‌های اقتصادی مناطقی را که اندکی خود را بازیافته بودند، ویران کرد و همه این امور در تعطیلی حج که رابطه مستقیمی با تمکن مالی داشت، مؤثر بود. عامل دیگری که در ایجاد بحران در حج‌گزاری تأثیر داشت، ناامنی فزاینده در جامعه و نیز مسیر کاروان‌های حج بود. این ناامنی رابطه مستقیمی با دو عامل پیشین داشت. فتح تدریجی شهرها، نبود حاکمیت مستقل و منسجم در ایران و نبردها و شورش‌های مختلف در نقاط مختلف را در پی داشت و وضعیت ناپایدار سیاسی ناامنی روزافزون جامعه و بالتبع راه‌ها را در پی داشت. فقر و فاقه عامل مهمی در گسترش ناامنی و شکل‌گیری گروه‌های راهزن داشت. ضعف و انحطاط خلافت عباسی نیز در جری‌تر شدن راهزنان مؤثر بود و وضع آشفته دستگاه خلافت اجازه کارهای عمرانی در مسیر حاجیان را نمی‌داد. قدرت‌گیری مملوکان و منازعه آنها با دیگر قدرت‌های منطقه‌ای فرصت را برای باج‌خواهی و غارت حاجیان فراهم می‌کرد؛ به گونه‌ای که غارت و چپاول کاروان‌ها امری معمول بوده و تنها در سال ۶۶۶ق. به امن بودن راه کاروان عراقی اشاره شده است.^۵

۱. ابن اثیر، همان، ج ۱۲، ص ۴۰۴-۴۰۶.

۲. نک: جوینی، همان، ص ۲۴۱.

۳. اشپولر، همان، ص ۲۹۸ به بعد.

۴. نک: ابن اثیر، همان، ج ۱۲، ص ۴۳۵ به بعد.

۵. فاسی، همان، ج ۲، ص ۲۸۹؛ ابن فهد، همان، ج ۳، ص ۹۲.

۳. ترسیم فضای ایده‌آل و ارائه راهکار

دوره اول بحران حدود نیم قرن به طول انجامید و در این سال‌ها حج‌گزاری ایرانیان با بحرانی جدی مواجه بود؛ اما نخبگان سیاسی مذهبی ایران با شناسایی دقیق مشکل همت خویش را در برطرف کردن آن به کار بردند. پیشتر اشاره رفت که نفوذ برخی از رجال متنفذ در دربار مغول از زمان اگتای قاآن و منگوقاآن تاحدودی توانست از شدت آسیب‌های عملکرد مغولان بکاهد، ولی مهار این مهاجمان به زمان بیشتری نیاز داشت. «خواجه نصیرالدین طوسی» در دربار هلاکو اعتبار چشمگیری یافت ولی به احتمال در مقایسه با حفظ جان مسلمانان و قدرت‌دهی به شیعیان، حج در اولویت کاری وی نبوده است.^۱

موفقیت «عظاملک جوینی» در متقاعد کردن اباقاخان برای صدور فرمانی مبنی بر بازگشایی مسیر حج در سال ۶۶۷ق. نشان‌دهنده توجه نخبگان نفوذی ایرانی در دربار مغولان به بحران حج‌گزاری است.^۲

اقدام مهم دیگر خاندان جوینی احیای سنت‌های کشاورزی و اداره املاک بود که بهبود وضعیت مادی ایرانیان را در پی داشت^۳ و این امر می‌توانست به طور غیرمستقیم اقبال عمومی به حج را در پی داشته باشد. از آن پس تلاش نخبگان ایرانی به بزرگ‌ترین مشکل بر سر توسعه آیین اسلام یعنی نامسلمان بودن مغولان معطوف شد و «شمس الدین جوینی» توانست احمد تگودار ایلخان را به اسلام متمایل سازد.

با تلاش‌های گسترده صدرالدین احمد خالدی زنجانی و شیخ صدرالدین حموی (داماد شمس الدین جوینی)، غازان خان حاکم مقتدر ایلخان در سال ۶۹۴ق. به اسلام گروید و اصلاحات بسیاری در زمینه اقتصاد و آیین آغاز گردید.

اولجایتو و ابوسعید فرزند وی نیز به زمره حاکمان مسلمان در آمدند و این امر کمک شایانی به احیای فریضه حج در ایران کرد. چنانکه از گزارش‌های ارائه‌شده برمی‌آید تغییر آیین و

۱. نک: عبدالهادی حائری، ایران و جهان اسلام، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۴-۱۱۵.

۲. شیرین بیانی، دین و دولت در ایران عهد مغول، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۳۹۹-۴۰۰.

۳. رشید الدین فضل‌الله همدانی، جامع التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، چاپ اول، تهران، ۱۳۳۸، ج ۳، ص ۱۵۸.

وضعیت حج‌گزاری ایرانیان پس از حمله مغول ۴۱

دیدگاه حاکمان دو عامل اقتصاد و امنیت راه‌های حج را نیز به طور مستقیم تحت تأثیر قرار داد و بهبود اوضاع در این دو عرصه به طور کامل ملموس بود.

با برطرف شدن بزرگ‌ترین مانع حج‌گزاری ایرانیان که نامسلمان بودن حاکمان بود، اقداماتی در جهت بهبود آغاز شد. احمد تگودار در اقداماتی چند سعی در تکیه بر جمعیت مسلمان قلمرو خویش و دوری از رسم و رسومات مغولی کرد. او در نامه‌ای که به سلطان مصر سیف الدین قلاوون به سال ۶۸۱ق. نوشته، از دستور خود مبنی بر اتمام کارگزاران بر امر حج و تجهیز کاروان حج و بازگشایی مسیر و تأمین امنیت راه‌های حج در کنار توجه وی به راه‌های تجاری دیگر یاد کرده است.^۱ با وجود مقاومت مغولان سنت‌گرا و مسیحیان و دستیابی ارغون بر حکومت، سعد الدوله وزیر تگودار به سال ۶۸۸ق. کاروانی عظیم از علما و اعیان ایرانی را برای رفتن به حج به کوفه و نجف فرستاد و دستورات لازم را برای رفاه حال ایشان صادر کرد.^۲

در دوره غازان خان پولی که متعلق به اوقاف بود و باید هزینه حج می‌شد، برای جبران خسارت شکست در جنگ با ممالیک خرج شد. وی نذر کرد که پس از قدرت‌یابی از هزینه اوقاف و منابع مرتبط با حج در امور لشکری و کشوری جلوگیری کند.^۳ غازان خان به سال ۷۰۲ق. در اقدامی رسمی جهت تأمین امنیت راه حج، امیر قتلغ از درباریان ذی نفوذ خود را عنوان امیر الحاج داده و به همراهی هزار سوار با اسب‌ها و یدک‌ها و کوس و علم و بارگاه و سراپرده و دیگر اسباب راهی مکه کرد.^۴ وی همچنین کمک‌های فراوانی به آبادانی راه‌های حج می‌کرد.^۵ اولجایتو به مانند حاکمان اسلامی پیش از مغول تلاش گسترده‌ای برای سیادت بر حرمین شریفین در راستای مشروعیت‌یابی انجام داد،^۶ ولی این تلاش‌ها با مقابله مملوکان بی‌اثر ماند. با این وجود دو سال در مکه به نام وی خطبه خوانده شد.^۷

۱. ابن العبری، تاریخ مختصر الدول، تحقیق آنتوان صالحانی الیسوعی، بیروت، ۱۹۹۳م، ص ۲۹۱.

۲. تحریر تاریخ و صاف، ص ۱۳۵.

۳. رشید الدین فضل الله، تاریخ مبارک غازانی، ب تصحیح کارل یان، هرتفرد، ۱۳۵۸، ص ۲۱۵-۲۱۶.

۴. عبداللّه بن فضل الله و صاف الحضرة، تحریر تاریخ و صاف، به کوشش عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات بیناد فرهنگی ایران، ۱۳۷۲ش، ص ۲۱۵.

۵. رشید الدین فضل الله، تاریخ مبارک غازانی، ص ۱۹۰.

۶. عبداللّه بن محمد کاشانی، تاریخ اولجایتو، تصحیح مهین همبلی، تهران، ۱۳۸۴ش، ص ۱۹۹-۲۰۰.

۷. ابن فهد، همان، ج ۱، ص ۳۹۱.

۴۲ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

ابوسعید فرزند اولجایتو راهی دیگر را در پیش گرفت و در مسیر صلح و دوستی با مملوکان قدم برداشت. وی مجد اسماعیل سلامی را با هدایای گرانبها نزد حاکم مملوکی مصر فرستاد تا با وی پیمان دوستی بندد و مراودات بین این دو حاکم منجر به بستن عهدنامه‌ای شد که طی آن قرار شد کاروان حج عراقی هر ساله آزادانه به حج رود و دو پرچم داشته باشد: یکی از آن ابوسعید و دیگری سلطان مملوکی.^۱ با مرگ ابوسعید ایلخان به سال ۷۳۶ق. بار دیگر اعزام زایران از طریق مسیر عراق تعطیل شد و درگیری‌های دامنه دار در درون ایران و نبود حکومت مقتدر عامل اصلی آن بود.^۲

تغییر مسیر حج:

دقت در گزارش‌های حج مربوط به سال‌های بعد ما را به نتیجه‌ای مهم در مورد راه حج ایرانیان رهنمون می‌سازد و آن استقلال راه حج ایرانیان از کاروان عراق بود.

منابع تاریخی بحث حج‌گزاری ایرانیان و به‌خصوص مسیر کاروان‌ها را به گونه مشخص مطرح نکرده‌اند، اما با دقت در برخی گزارش‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که اصلی‌ترین و قدیمی‌ترین راه حج ایرانیان همان راه عراقی است.

راه عراقی با نام‌های متعددی چون راه عراق، درب زبیده، راه کوفه، راه نجد و راه جبل معرفی می‌شد. منزلگاه‌های این راه تقریباً در قرن‌های متمادی ثابت بودند و گاه دچار تغییرات اندکی چون ویرانی و متروک شدن یک منزل و برپایی منزلگاهی دیگر می‌شدند.

حاجیان پس از اجتماع در بغداد، نجف یا بصره به ترتیب منزلگاه‌های ذیل را طی می‌کردند:

۱. کوفه، ۲. قادسیه، ۳. عذیب، ۴. وادی سباع، ۵. مغیثیه، ۶. مسجد سعد، ۷. قرعا، ۸. طرف، ۹. واقصه، ۱۰. قبیبات، ۱۱. عقبه، ۱۲. جلهاء، ۱۳. قاع، ۱۴. جریسی، ۱۵. زباله، ۱۶. تنانیر، ۱۷. شقوق، ۱۸. ردان، ۱۹. بطن، ۲۰. محمیه، ۲۱. ثعلبیه، ۲۲. غمیس، ۲۳. خزیمه، ۲۴. بطن الاغر، ۲۵. اجفر، ۲۶. قرائن، ۲۷. فید، ۲۸. قرنیتن، ۲۹. توز، ۳۰. فحیمه، ۳۱. سمیراء، ۳۲. عباسیه، ۳۳. حاجر، ۳۴. قروری، ۳۵. معدن قرشی، ۳۶. سمط، ۳۷. مغیثه الماوان، ۳۸.

۱. اسماعیل بن علی ابوالفداء، المختصر فی تاریخ البشر، مصر، بی تا، ج ۴، ص ۹۰؛ عباس اقبال آشتیانی، تاریخ مغول، تهران، ۱۳۸۴ش، ص ۳۴۶-۳۴۷.

۲. فاسی، همان، ج ۲، ص ۲۹۸.

وضعیت حج‌گزاری ایرانیان پس از حمله مغول ۴۳

اریمه، ۳۹. ربذه، ۴۰. کنبین، ۴۱. معدن بنی سلیم، ۴۲. شروزی، ۴۳. سليله، ۴۴. عمق، ۴۵. کراع، ۴۶. افیعیه، ۴۷. مسلح، ۴۸. قصر، ۴۹. غمره، ۵۰. اوطاس، ۵۱. ذات عرق، ۵۲. غمنر ذی کنده، ۵۳. بستان بنی عامر، ۵۴. مشاش، ۵۵. مکه معظمه^۱.

با وجود نزدیکی این راه به مکه در مقایسه با راه‌های دیگر این مسیر همواره از خطرناک‌ترین راه‌ها برای حاجیان به حساب می‌آمده و عواملی چون کمی آب، طوفان‌های شن و خطر حمله راهزنان عرب سال‌های متمادی خسارت‌های بسیاری بر حاجیان متحمل ساخته است.^۲

در تمامی دوره‌های اسلامی پیش از مغول ایرانیان از این راه به حج می‌رفتند. در دوره مغولان و ایلخانیان نیز این راه اصلی‌ترین راه حج‌گزاری ایرانیان بود و بر همین اساس منابع تاریخی کاروان حج ایرانی را با عنوان الکرکب من العراق معرفی می‌کنند.^۳

مقایسه مسیر ترسیم‌ی ابن بطوطه که در سال ۷۱۸ق. و در دوره ابوسعید ایلخانی از ایران به همراه کاروان حج عراقی به مکه رفته و مسیر بازگشت را در سفرنامه خود قید نموده، با مسیر ترسیم‌ی دوره‌های قبل تفاوت چندانی را جز تغییر نام برخی از منازل نشان نمی‌دهد. به گفته وی کاروان حج عراقی پس از مکه راه مدینه را پیش گرفته است و در این مسیر از منزلگاه‌های بطن مر، عسفان، خلیص، وادی السمک، بدر و صفرا عبور کرده و به مدینه رسیده‌اند. پس از مدینه کاروان راهی نجد شده و منازل عسيلة، قاروره، سمیره، جبل المخروق، وادی الکروش، فید (به گفته ابن بطوطه این دژ در نیمه راه بغداد به مکه واقع شده)، اجفر، زرود، ثعلبیه، برکه المرجوم، مشقوق، تانیر، زماله، هیشمین، عقبه الشیطان، واقصه، لوره، مناره القرون، عذیب، قادسیه، نجف را طی کرده و راهی بغداد شدند.^۴

۱. احمد بن اسحاق یعقوبی، البلدان، تصحیح محمد امین صناوی، بیروت، ۱۴۲۲، ص ۱۵۰؛ عبیدالله بن خردادبه، المسالک و الممالک، به کوشش محمد المخزوم، بیروت، ۱۴۰۸، ص ۱۲۵-۱۲۷؛ محمد بن احمد بن جبیر، رحله ابن جبیر، بیروت، ص ۱۶۲-۱۶۳؛ ابراهیم بن اسحاق حرابی، کتاب المناسک و اماکن طرق الحج، به کوشش حمد جاسر، ریاض، ۱۴۰۱، ص ۲۸۱-۳۵۶.

۲. نک: طبری، تاریخ طبری، ج ۸، ص ۱۵۰ و ج ۹، ص ۱۵۰ و ۵۰۱ و ج ۱۰، ص ۱۳۹.
۳. فاسی، العقد الثمین، تصحیح محمد عبدالقادر احمد عطا، بیروت، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۴۴؛ اتحاف الوری فی اخبار ام القرى، ج ۳، ص ۱۱۹.

۴. محمد بن عبدالله بن بطوطه، رحله ابن بطوطه، تصحیح عبدالهادی تازی، ریاض، ۱۴۱۷ق، ص ۴۱۰-۴۱۶.

۴۴ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

پس از ضعف و انحطاط ایلخانان منابع گزارش‌کننده حج نوعی انفکاک بین کاروان عراقی و حاجیان ایرانی را نمایان می‌سازند. به‌عنوان مثال ابن‌فهد در گزارش حج سال ۷۵۷ق. به عده زیاد حاجیان عراق و نیز وجود گروهی از حاجیان ایرانی که صدقات بسیاری نیز در حرمین انفاق کردند، بدون اشاره به کاروان آنها اشاره می‌کند.^۱ در گزارش حج سال بعد با عنوان «محملی از شیراز» در کنار ركب یا محمل عراقی برمی‌خوریم.^۲

مسیر کاروان اعزامی از شیراز رفتن به بنادر جنوبی ایران و طی عرض خلیج فارس و رسیدن به قطیف و لحسا بوده است. آنها در ادامه مسیر خود منزلگاه‌های جود، ضان، دهناء، دحلمی، جبل ابوعرب، ملهم، جعر، ربض، درعیه، حیسیه، مراه، شعراء، جنایح، مرقب، مختا، عبل، زکیه و ذات عرق را پشت سر گذاشته و به مکه می‌رسیدند.^۳ ابن بطوطه در یکی از حج‌های خود از بندر سیراف وارد بحرین و سپس قطیف شده و از این مسیر عازم مکه شده است.^۴

در سال ۷۸۵ق. کاروان اعزامی از شیراز در لحسا گرفتار راهزنانی به سرکردگی شخصی به نام قریش بن زامل شد. در این حادثه بسیاری از حاجیان کشته شدند و اموال همگان به غارت رفت. بازماندگان نیز با وضعی فجیع در بیابان رها شدند برخی به خانه بازگشتند و گروهی همراه کاروان عراق به مکه رفتند.^۵

در سال ۸۱۳ق. درحالی‌که کاروان عراق برای چندمین سال متوالی در مراسم حج شرکت نداشت، گروهی از اهالی عراق عجم از طریق لحسا و قطیف خود را به مکه رسانده بودند. گویا این کاروان به صورت خود جوش و بدون محمل در حج حضور یافته بودند.^۶

در سال ۸۱۴ق. با وجود این‌که کاروانی از عراق راهی حج نشده بود، محمل مستقلی از شیراز با امیری به نام عقیلی در حج شرکت داشت.^۷ گویا مسولیت این محمل با گروهی مشهور

۱. ابن فهد، همان، ج ۳، ص ۲۷۰.

۲. همان، ج ۳، ص ۲۷۲.

۳. جعفریان، راه حج، ص ۳۷.

۴. ابن بطوطه، همان، ج ۲، ص ۱۵۱-۱۵۴.

۵. ابن فهد، همان، ج ۳، ص ۷۱۵، جزینی، همان، ج ۱، ص ۴۱۹.

۶. جزینی، همان، ج ۱، ص ۴۳۳.

۷. ابن فهد، همان، ج ۳، ص ۴۸۴؛ الدرر الفرائد المنظمه، ج ۱، ص ۴۳۴.

وضعیت حج‌گزاری ایرانیان پس از حمله مغول ۴۵

به عقیلان بوده است که در این سال‌ها به رجب عقیلی شهرت یافته بودند.^۱ اما در سال ۸۱۶ق. گروهی از حاجیان خراسان همراه کاروان حج عراقی در مراسم شرکت جستند و منابع گزارشی در مورد کاروان شیراز ارائه نداده‌اند.^۲ چنانچه می‌دانیم ایالت فارس و شهر شیراز به تدبیر ابوبکر بن سعد زنگی از اتابکان سلغور از تهاجمات مغول در امان ماند و او در ادامه توانست با حمله به جزیره قیس (مجتمع تجاری بازرگانان هندی در خلیج فارس) و تصرف آن و وضع مالیات بر آن باعث رونق فراوان و امنیت این شهر شود.^۳ پس از وی نیز اتابکان اینجو این وضع را تا حدودی ادامه دادند و به هر روی شیراز از تخریب و قتل و غارت و وحشتناکی که بیشتر شهرهای ایران شاهد آن بودند، برکنار ماند و بر همین اساس می‌توانست پتانسیل لازم برای تجمع سالیانه حجاج و عزیمت به حرمین شریفین را دارا باشد.^۴

نتیجه

اهمیت بُعد سیاسی حج از همان سده‌های نخستین اسلامی بر حکومت‌ها آشکار بود و به همین سبب رونق کاروان‌های حج رابطه مستقیمی با اقتدار حکومت‌های مرکزی داشت و حج یکی از آوردگاه‌های رقابت بین حکومت‌ها برای تقویت مبانی مشروعیتی بود. حمله مغولان به ایران حج‌گزاری ایرانیان را با بحران جدی مواجه کرد. نخبگان ایرانی با توجه به شدت آسیب‌های اجتماعی وارده بر اثر حمله مغولان به اولویت‌بندی بحران‌ها پرداخته و در مرحله اول حفظ جان و کمتر کردن آسیب‌های متعدد را هدف گرفتند. حج‌گزاری حدود ۵۰ سال با بحران جدی و متمادی روبرو بود.

خاندان جوینی با نفوذ به دربار مغولان ناهمخوانی کیش حاکمان و مسلمانان را مهمترین عامل بحران حج تشخیص داده و همت خویش را در برطرف کردن آن گماردند. آنها توانستند با ترسیم فضایی ایده‌آل از اسلام برای حاکمان و تبیین فوائد آن برای حکومت، احمد تگودار را به

۱. ابن فهد، همان، ج ۳، ص ۵۷۵.

۲. جزینی، همان، ج ۱، ص ۴۳۴.

۳. اشپولر، همان، ص ۱۴۶-۱۴۷.

۴. همان، ۱۵۰-۱۵۱.

اسلام متمایل سازند و با ورود وی به جرگه مسلمانان با همت افرادی دیگر غازان خان، ابوسعید و اولجایتوی ایلخانی نیز راه مسلمانی برگزیدند. خاندان جوینی اصلاحات اقتصادی را نیز در دستور کار قرار دادند که بهبود وضعیت اقتصادی به طور مستقیم پدیده حج را نیز مورد تأثیر قرار می‌داد. با گرایش ایلخانان به اسلام پیوند دوباره‌ای بین دربار و حج ایجاد شد و تلاش‌ها برای بهره‌وری از این فرصت مهم تبلیغی برای مشروعیت‌بخشی به حکومت آغاز شد. اقدامات عمرانی در حرمین شریفین و نیز منازل و مسیر کاروان‌ها، امن‌سازی مسیر با اعزام نیروی محافظ و نیز تلاش‌های سیاسی برای تعامل با مملوکیان در راستای حفظ امنیت کاروان‌ها و حمایت اقتصادی از جمله کارهایی بودند که در این راستا انجام شدند.

بعد از انحطاط ایلخانان حج‌گزاری ایرانیان دچار بحرانی دوباره شد و با توجه به ناامنی فزاینده ایرانیان که از دیرباز از راه عراق و راه مشهور به درب زبیده به مکه می‌رفتند، مسیری دیگر را برای رفتن به حج برگزیدند. دور نگاه داشتن شیراز از تجاوز و غارت مغولان به تدبیر سلغریان و اتابکان اینجو در سال‌های بعد موجب شد که شیراز به مأمنی برای اجتماع حجاج و عزیمت به حرمین شریفین شود و از نتایج آن استقلال کاروان حج ایرانیان از محمل عراقی پس از سال‌ها بود.

وضعیت حج‌گزاری ایرانیان پس از حمله مغول ۴۷

فهرست منابع و مآخذ

- ابن اثیر، محمد، *الکامل فی التاریخ*، چاپ اول، بیروت، ۱۳۸۵ق.
- ابن العبری، *تاریخ مختصر الدول*، به تحقیق: آنتوان صالحانی الیسوعی، چاپ سوم، بیروت، ۱۹۹۳م.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، *رحله ابن بطوطه*، تصحیح عبدالهادی تازی، چاپ اول، ریاض، ۱۴۱۷ق.
- ابن جبیر، محمد بن احمد، *رحله ابن جبیر*، چاپ اول، بیروت، دار و مکتبه الهلال، بی تا.
- ابن خردادبه، عبیدالله، *المسالک و الممالک*، به کوشش محمد المخزوم، بیروت، ق ۱۴۰۸.
- ابن فهد، عمر بن محمد، *اتحاف الوری باخبار ام القری*، به تصحیح: فهیم محمد شلتوت، مکه، ۱۴۰۳.
- ابوالفداء، اسماعیل بن علی، *المختصر فی تاریخ البشر*، چاپ اول، مصر، بی تا.
- ارموی، محدث، *نسائم الاسحار من لطائف الاخبار*، چاپ اول، تهران، ۱۳۳۸ش.
- اسپرینگز، توماس، *فهم نظریه‌های سیاسی*، توماس اسپرینگز، فرهنگ رجایی، تهران، آگاه، ۱۳۷۰ش.
- اشپولر، برتولد، *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه محمود میر آفتاب، چاپ نهم، تهران، ۱۳۸۶ش.
- آشتیانی، عباس اقبال، *تاریخ مغول*، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۸۴ش.
- بیانی، شیرین، *دین و دولت در ایران عهد مغول*، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱ش.
- پژوهشکده حج و زیارت، *دانشنامه حج و حرمین شریفین*، تهران، مشعر، چاپ اول، ۱۳۹۲ش.
- جرفاذقانی، ابوالشرف ناصح، *ترجمه تاریخ یمینی*، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۴ش.
- جزینی، عبدالقادر، *الدررالفوائد المنظمه*، به تحقیق محمد حسن محمد حسن اسماعیل، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۲ق.
- جعفریان، رسول، *راه حج*، تهران، زیتون سبز، ۱۳۸۹ش.
- جوینی، عطا ملک، *تاریخ جهانگشای جوینی*، به تصحیح محمد قزوینی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۵ش.

۴۸ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

- حائری، عبدالهادی، ایران و جهان اسلام، چاپ اول، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶.
- حربی، ابراهیم بن اسحاق، کتاب المناسک و اماکن طرق الحج، به کوشش حمد جاسر، چاپ اول، ریاض، ۱۴۰۱ق.
- خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین، حبیب السیر، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۰ش
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، بیروت، ۱۱ جلد، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، ۱۳۸۷ق، بیروت
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
- فاسی، محمد بن احمد، العقد الثمین، به تصحیح محمد عبدالقادر احمد عطا، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۹ق.
- فاسی، محمد بن احمد، العقد الثمین، به تصحیح محمد احمد عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۹م.
- فاسی، محمد بن احمد، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۱ق.
- کاشانی، عبدالله بن محمد، تاریخ اولجایتو، به تصحیح مهین همبلی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۴ش.
- همدانی، رشید الدین فضل الله، تاریخ مبارک غزانی، به تصحیح کارل یان، چاپ اول، هرتفرد، ۱۳۵۸ش.
- همدانی، رشید الدین فضل الله، جامع التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، چاپ اول، تهران، ۱۳۳۸ش.
- همدانی، رشید الدین فضل الله، جامع التواریخ، اسماعیلیان، به تصحیح محمد روشن، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸ش.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، البلدان، به تصحیح محمد امین صناوی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۲.